«ایران» ناکامی تیم فوتبال المپیک در بازی‌های آسیایی ناگویا را بررسی می‌کند

وقتی شکست، عادت می‌شود

سینا حسینی / حذف تیم فوتبال امید ایران از مرحله گروهی بازی‌های آسیایی ناگویا، یک ناکامی ساده در یک تورنمنت آسیایی نبود، بلکه برای چندمین بار در سال‌های اخیر، ضعف‌های قدیمی فوتبال پایه ایران را برملا کرد تا مشخص شود نبود یک استراتژی هدفمند می‌تواند به تکرار یک ناکامی بزرگ منجر شود. تیمی که رقابت‌ها را با پیروزی برابر امارات آغاز کرد، مقابل چین به تساوی رسید و در مسابقه سرنوشت‌ساز برابر کره شمالی، تیمی که پیش از این دیدار تنها یک امتیاز داشت، شکست خورد تا خیلی زود از گردونه رقابت‌ها کنار برود.

تلخی ماجرا فقط به این حذف ناباورانه و دور از انتظار بازنمی‌گردد؛ آنچه نگران‌کننده‌تر است، تکرار الگویی آشناست. تیم امید هر دوره با امیدهای تازه وارد مسابقات می‌شود، اما در نهایت همان پرسش‌های قدیمی دوباره مطرح می‌شوند.

چرا فوتبال پایه ایران هنوز از یک استراتژی روشن و بلندمدت برخوردار نیست؟ چرا برای ساختن تیمی که قرار است پشتوانه فوتبال ملی باشد، برنامه‌ای فراتر از یک تورنمنت وجود ندارد؟

فوتبال ایران زمانی یکی از قدرت‌های بلامنازع فوتبال بازی‌های آسیایی بود. تیم امید ایران چهار بار عنوان قهرمانی این بازی‌ها را در کارنامه خود به ثبت رسانده است که آخرین بار در سال ۲۰۰۲ در بوسان، شاگردان برانکو ایوانکوویچ مدال طلای این بازی‌ها را به کلکسیون افتخارات خود اضافه کردند. از آن قهرمانی ۲۴ سال گذشته و در این فاصله، بهترین نتیجه ایران کسب مدال برنز در دوحه ۲۰۰۶ بوده است. پس از آن، چهارمی در گوانگژو ۲۰۱۰، حذف در مرحله گروهی اینچئون ۲۰۱۴، حذف در مرحله یک‌هشتم نهایی جاکارتا ۲۰۱۸، حذف در یک‌چهارم نهایی هانگژو و حالا حذف در مرحله گروهی ناگویا، کارنامه‌ای است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. این نتایج بیش از آن‌که حاصل یک دوره ناموفق باشد، نشانه تداوم یک چالش ساختاری در فوتبال پایه ایران است.

در فوتبال امروز، پرورش استعداد دیگر به کشف چند بازیکن مستعد و سپردن آنها به یک مربی محدود نمی‌شود. کشورهای پیشرفته فوتبال آسیا سال‌هاست روی آکادمی‌ها، آموزش مربیان، استعدادیابی علمی، تحلیل داده، توسعه مهارت‌های فنی و ایجاد مسیر مشخص از رده‌های پایه تا تیم ملی سرمایه‌گذاری می‌کنند. بازیکن نوجوان باید بداند از اولین روز حضور در فوتبال پایه تا رسیدن به سطح حرفه‌ای، چه مسیری پیش روی او قرار دارد.

در فوتبال ایران اما هنوز نگاه مقطعی بر فوتبال پایه سایه انداخته است. نزدیک شدن به یک تورنمنت، تشکیل اردو، جمع کردن بازیکنان و تلاش برای رسیدن به نتیجه، جای برنامه‌ریزی بلندمدت را گرفته است. تیم امید نباید پروژه‌ای باشد که چند ماه پیش از یک مسابقه مهم آغاز شود و پس از پایان همان مسابقات نیز به فراموشی سپرده شود. تیم امید باید حلقه‌ای از یک زنجیره منسجم باشد؛ زنجیره‌ای که باشگاه‌ها، تیم‌های نوجوانان و جوانان، تیم امید و تیم ملی بزرگسالان را به یکدیگر متصل کند.

بازی‌های آسیایی ناگویا نشان داد که فوتبال ایران هنوز در حال استفاده از نسخه‌ای است که سال‌هاست کارآمدی خود را از دست داده است. البته شکست در فوتبال اجتناب‌ناپذیر است و هیچ تیمی همیشه پیروز نمی‌شود، اما وقتی یک الگوی ناکامی در چند دوره تکرار می‌شود، دیگر نمی‌توان همه چیز را به بدشانسی، قرعه یا عملکرد یک نسل از بازیکنان نسبت داد.

اینکه چه کسی مقصر حذف از ناگویاست، هیچ اهمیتی ندارد؛ پرسش اصلی این است که فوتبال ایران برای جلوگیری از تکرار این اتفاق چه برنامه‌ای دارد؟

اگر ایده مدیران همچنان به تغییر مربی، تشکیل یک اردوی تازه و انتظار برای ظهور چند استعداد جدید محدود شود، چهار سال دیگر دوباره همین داستان به بدترین شکل ممکن تکرار خواهد شد؛ با این تفاوت که تعدادی جوان جدید در ترکیب تیم حاضر می‌شوند و گروهی دیگر به‌عنوان کادر فنی هدایت این تیم را برعهده خواهند گرفت، اما در نتیجه نهایی تغییری صورت نخواهد گرفت.

حذف از ناگویا می‌تواند فرصتی برای بازنگری جدی در شیوه مدیریت فوتبال پایه باشد. فوتبال ایران برای بازگشت به جایگاه گذشته، بیش از هر چیز به تغییر نگاه، برنامه‌ریزی مستمر و عبور از فرمول‌های تاریخ مصرف گذشته نیاز دارد.

یادداشت

ابراهیم قاسم‌پور
مربی پیشین تیم ملی فوتبال

ضعف ساختاری آشکار

حذف تیم فوتبال امید ایران در بازی‌های آسیایی ناگویا، آن هم با شکست سنگین برابر کره شمالی، بار دیگر ضعف‌های ساختاری فوتبال پایه ایران را به نمایش گذاشت. وقتی چنین اتفاقاتی طی چند دهه تکرار می‌شود، باید ریشه‌های آن را در ساختار فوتبال جست‌وجو کرد.

تیم امید با وجود در اختیار داشتن چند بازیکن شناخته‌شده از تیم‌های لیگ برتری، در برابر کره شمالی از نظر سازمان تیمی و کیفیت اجرای برنامه‌های فنی عملکرد قابل قبولی نداشت. البته محدودیت در برگزاری بازی‌های تدارکاتی و آماده‌سازی مناسب، همان‌طور که پیش‌تر از سوی حسین عبدی مطرح شده بود، بی‌تأثیر نیست؛ اما نمی‌توان تمام مشکلات را به این موضوع نسبت داد. آنچه در زمین دیده شد، ضعف در کنترل و گردش توپ، تصمیم‌گیری تحت فشار، فاصله نامناسب خطوط و مشکلات تیم در انتقال از دفاع به حمله و برعکس بود. دریافت چهار گل نیز بیش از آن‌که تنها یک آمار باشد، نشان‌دهنده مشکلاتی در ساختار دفاعی و تمرکز تیمی است. عملکرد برخی بازیکنان نیز نیازمند بررسی جدی است. بازیکنی که در سطح لیگ برتر بازی می‌کند، باید در مهارت‌های پایه، کنترل توپ، پاس، بازی تحت فشار و نبردهای یک‌به‌یک، کیفیتی متناسب با سطح حرفه‌ای فوتبال نشان دهد. فوتبال امروز تنها به شوت، سانتر و پاس کوتاه محدود نیست؛ سرعت تصمیم‌گیری و درک تاکتیکی بخش مهمی از کیفیت یک بازیکن حرفه‌ای است.

اما مسئولیت این ناکامی فقط متوجه بازیکنان نیست. استعدادیابی، آموزش پایه، کیفیت مربیگری، برنامه آماده‌سازی و مدیریت فوتبال رده‌های سنی همگی باید مورد ارزیابی قرار گیرند. شکست برابر کره شمالی یک هشدار جدی است؛ نه برای سرزنش چند بازیکن یا مربی، بلکه برای بازنگری در ساختاری که سال‌هاست خروجی آن، تکرار یک ناکامی قدیمی است.

آمار

روایت یک تراژدی

گروه ورزشی / وقتی یک تیم با علم به اینکه یک امتیاز برای صعودش کافی است وارد زمین می‌شود، مدیریت بازی و کنترل ریسک باید مهم‌ترین بخش برنامه فنی‌اش باشد؛ نه اینکه مالکیت، برتری در نبردهای میانه زمین و ابتکار عمل را به حریف واگذار کند. تیم امید ایران مقابل کره شمالی دقیقاً در همین نقطه دچار مشکل شد. رویکرد محتاطانه حسین عبدی نه‌تنها به حفظ نتیجه منجر نشد، بلکه به تدریج ابتکار عمل را در اختیار حریفی قرار داد که برای صعود به چیزی جز پیروزی نیاز نداشت. شکست ۴ بر یک در نهایت حاصل همین فاصله فنی و ذهنی میان دو تیم بود. تغییرات ترکیب اصلی در بازی سرنوشت‌ساز روز آخر مرحله گروهی مسابقات یکی از نقاط قابل نقد عملکرد کادر فنی بود. فرزین معامله‌گری که در ۲ مسابقه اول از مهره‌های مؤثر ایران بود، از ترکیب خارج شد و یاسین جرجانی جای او را گرفت. یوسف مزرعه و سعید سحرخیزان نیز به جای اسماعیل قلی‌زاده و عباس کهریزی وارد ترکیب شدند. حضور سحرخیزان، مهاجم مرکزی استقلال، در جناح راست نیز از جمله تصمیماتی بود که در جریان مسابقه نتوانست به ایجاد برتری در فاز هجومی کمک کند. کسری طاهری نیز با وجود ارسال پاس گل، خیلی زود از زمین خارج شد. مسأله اصلی اما به ساختار تیم در زمان از دست دادن توپ بازمی‌گشت. کره شمالی با فشار مداوم، خطوط ایران را عقب راند و اجازه نداد تیم عبدی از مالکیت‌های محدود خود استفاده مؤثری داشته باشد. آمار مسابقه گویای این تفاوت است؛ کره شمالی ۲۱ شوت زد که ۱۰ مورد آن در چارچوب بود؛ ایران تنها ۴ شوت داشت که ۳ شوت در چارچوب قرار گرفت و یکی از آنها به گل تبدیل شد. مالکیت ۵۶ به ۴۴ درصدی و برتری سه‌برابری کره در تعداد کرنرها نیز تصویری روشن از جریان مسابقه ارائه می‌کند. نکته مهم‌تر، ناتوانی ایران در واکنش به تغییر شرایط بازی بود. پس از دریافت گل، انتظار می‌رفت ساختار تیم تغییر کند و فشار هجومی افزایش یابد، اما حتی بین دو نیمه نیز اصلاح محسوسی در کیفیت بازی مشاهده نشد. کره شمالی در سمت مقابل از جسارت و تحرک بیشتری برخوردار بود و توانست همین برتری ذهنی و تاکتیکی را به نتیجه تبدیل کند. شکست سنگین مقابل تیمی که پیش از این مسابقه تنها یک امتیاز داشت، یک چالش جدی برای تیم امید ایران محسوب می‌شود؛ به‌خصوص برای تیمی که قرار است مسیر دشوار انتخابی المپیک ۲۰۲۸ را طی کند. اگر قرار است طلسم چندین دهه‌ای فوتبال ایران در رسیدن به المپیک شکسته شود، اولین مسأله باید بازنگری در تصمیم‌گیری‌های فنی، انتخاب ترکیب و واکنش به جریان مسابقه باشد.

جلال چراغپور، مربی پیشین تیم ملی در گفت‌وگو با «ایران»:

آموزش را اصلاح نکنیم، آینده را از دست می‌دهیم

منبع: فدراسیون فوتبال ایران

مهری رنجبر/ تیم فوتبال امید در بازی‌های آسیایی ناگویا، با شکست مقابل تیم کره شمالی، به سریال ناکامی‌های خود در قاره کهن ادامه داد. تیمی که پس از یک برد و یک تساوی، برای صعود از دور مقدماتی تنها به یک پیروزی نیاز داشت، در بازی دور از انتظار مقابل کره شمالی یک امتیازی و ناامید از صعود روی کاغذ، به شکلی ناباورانه چهار گل دریافت کرد و از دور رقابت‌ها حذف شد.

جلال چراغپور، کارشناس فوتبال، در گفت‌وگو با «ایران» دلیل اصلی ناکامی تیم امید را به عدم بلوغ فوتبالی بازیکنان مرتبط می‌داند: «ناکامی تیم امید را باید با نگاهی علمی‌تر دید و قطعات پازل را قطعه‌قطعه آسیب‌شناسی کرد. در بررسی و کالبدشکافی فنی چند فرضیه مطرح می‌شود؛ اول اینکه فقط مربیان ایرانی نبودند که نتوانستند به بازیکنان چیزی یاد دهند، چرا که ۹ مربی خارجی هم در ادوار مختلف روی نیمکت تیم نشستند. بعضی از مربیان خارجی هم مربیان دانه‌درشتی بودند که حتی یکی از آنها مربی تیم ملی و تیم سپاهان هم بود، اما در تیم امید جواب نداد. پس ناکامی تیم فوتبال ما در این بازی ها ربطی به مربی ایرانی ندارد. مهم‌ترین چالش تیم امید این است که به‌رغم اینکه بازیکنان فیزیک، قد و سایز بازیکنان رده امید را دارند، اما کیفیت فوتبال آنها در حد بازیکنان ۱۵ ساله مانده و به بلوغ نرسیده است. آنها در حد فوتبال پایه‌ها مانده‌اند. ما حتی در تیم ملی بازیکنانی ۱۸-۱۷ ساله مثل یامال هم نداریم. به‌جز آن، سواد بازی بازیکنان کم است. مثلاً در والیبال اگر بازیکن پنجه درست نزند و توپ مکث کند، خطاست. در فوتبال، ضربه توپ با دست یا لگد زدن هم خطاست. اگر توپ را از دست بدهی، باید پس بگیری که می‌شود پرس؛ یا در پرس خیلی نزدیک شوی، از تو رد می‌شود، با دریبل فردی از حریف شکست می‌خوری. این یعنی سواد چطور بازی کردن. سواد فنی بازیکنان تیم امید پایین است.»

او فقدان کمیته آموزش در فدراسیون را هم بی‌تأثیر در عدم بلوغ فوتبال بازیکنان نمی‌داند: «مسأله تیم امید، مجموعه‌ای از مشکلات آموزش و نبود مربیان پایه است. باید یک نفر به آنها درس دهد. فدراسیون قبل از سال ۲۰۰۰ تا به امروز یک کلاس آموزش برای رده‌های پایه برگزار نکرده و کمیته آموزش ندارد و به مربیانی که دوره درجه D می‌گذرانند، اجازه کار با تیم‌های پایه می‌دهد.

دوباره قصه آموزش مطرح می‌شود، اما فدراسیون دوره‌های آموزشی پایه برگزار نمی‌کند. آخرین دوره پایه ۲۵ سال پیش، به مدرسی کرامر، برگزار شد؛ او فوت کرده، اما دیگر خبری از کلاس نبوده است. با این شرایط چطور سواد فوتبالی بازیکنان از ۱۴ سالگی بالا بیاید؟ فوتبال آنها غریزی است، نه آموزشی.

کره‌شمالی چطور تیم امید را برد؟ بازیکنان را از ۱۲ سالگی می‌آورد، دو سال به آنها آموزش می‌دهد، از ۱۴ تا ۱۶ سالگی تمرینات بزرگسالی می‌گذارد و بالای ۱۶ سال به بلوغ فوتبالی می‌رسد و تیم امید ایران را راحت شکست می‌دهد.»

به گفته این کارشناس فوتبال، دستکاری در تربیت مربی، ریشه مشکلات فنی در این حوزه است: «ایراد کار آنجاست که فدراسیون قواعد تربیت مربی را دستکاری کرده است. باید شاخه آموزش را به دو قسمت پایه‌ها و بزرگسالان تقسیم کرد. مربیان خاصی برای پایه‌ها تربیت شوند تا از فوتبال ژنتیک بازیکن را بالاتر ببرند تا بفهمد فازبندی فوتبال مدرن، انتقال از دفاع به حمله و از حمله به دفاع، فشار روی حریف چیست، پایش و اسکن محیط چیست، لحظه مناسب برای اقدام چه زمانی اتفاق می‌افتد، سازماندهی و حرکت واحدهای تیمی در خط اول کجا اتفاق می‌افتد و فشرده‌شدن تیم در مرحله بعد چه زمانی باید انجام شود. اینها مفاهیم بازی است، نه درس. اگر مفاهیم در طبیعت‌گردی را بلد نباشی، مار پایت را نیش می‌زند، شاخه صورتت را زخمی می‌کند. وقتی با حریفی بازی می‌کنی که سواد بازی دارد، سرت را کلاه می‌گذارد و یک بار از راست، یک بار از چپ، یک بار از روی کرنر و یک بار هم از وسط گل می‌زند و ۱-۴ برنده می‌شود.»

> سرمربی تیم ملی لیست بازیکنان را برای جام ملت‌های آسیا اعلام کرده، در حالی که بازیکنی تولید نشده که سرمربی، بازیکنان مسن و مصدومان را کنار بگذارد و بازیکنان جوان را جایگزین آنها کند. حالا تیم ملی برای جام ملت‌های آسیا یک لشکر مصدوم دارد

چراغپور بر محتوای درست آموزش تأکید دارد: «باید آموزش را درست کنیم. فدراسیون، مسئول کمیته آموزش یک استان را بنا به دلایلی مسئول کمیته آموزش فدراسیون گذاشته و مدام کلاس می‌گذارد با ورودیه ۷۵۰ میلیون تومانی و یک یا دو هفته‌ای کارت می‌دهند. مسأله کارت نیست، بلکه محتوای آموزش است و تا زمانی که محتوا درست نشود، هر دم از این باغ بری می‌رسد.»

او به بازیکنان تیم امید برای کمک به تیم ملی در جام ملت‌ها خوشبین نیست: «حالا سرمربی تیم ملی لیست بازیکنان را برای جام ملت‌های آسیا اعلام کرده، در حالی که بازیکنی تولید نشده که سرمربی، بازیکنان مسن و مصدومان را کنار بگذارد و بازیکنان جوان را جایگزین آنها کند. حالا تیم ملی برای جام ملت‌های آسیا یک لشکر مصدوم دارد. هرچند حرف از اضافه شدن هشت بازیکن امید به تیم ملی هست، اما فکر می‌کنید این هشت بازیکن بعد از باخت ۱-۴ مقابل کره شمالی به درد تیم ملی می‌خورند؟ کره شمالی، تیمی است که یک پله از کره‌جنوبی پایین‌تر است. بدون شک این اتفاق اعتمادبه‌نفس آنها را سوزانده است و باید گفت هشت بازیکن سوخته با تیم ملی در جام ملت‌های آسیا حاضر می‌شوند. واقعیت این است که این بازیکنان بهترین‌های فوتبال ایران هستند؟ اصلاً بهترین‌ها راه به تیم امید پیدا می‌کنند؟ وقتی کفش فوتبال ۶۰ میلیون شده، آیا همه مردم می‌توانند بچه‌هایشان را به فوتبال بیاورند؟»

چراغپور دو مسأله اساسی فدراسیون فوتبال را این‌طور توضیح می‌دهد: «در مجموع، ضعف استراتژی و نبود اتاق فکر در فدراسیون حرف اول را می‌زند. فدراسیون فوتبال که بودجه دارد، باید اتاق فکر داشته باشد تا داده‌های اجتماعی، حوادث خاص، فوتبالی، برد و باخت‌ها، تیم‌های آسیایی و همسایه‌ها را رصد و بررسی کند. با این کار، فدراسیون از جریان‌ها عقب نمی‌ماند. اما حالا در شرایط بد و با وجود مشکلات، لحظه به لحظه در باتلاقی به نام فوتبال فرو می‌رود و آقایان با توجیهات، پایین رفتن را عادی جلوه می‌دهند. تیم اگر از برزیل، آلمان، کره جنوبی گل بخورد یک چیزی، اما نه از کره شمالی.»

مربی پیشین تیم ملی با اشاره به آینده فوتبال ایران می‌گوید: «آینده فوتبال ایران با این شرایط امیدوارکننده نیست و اگر به سراغ اصلاح وضعیت آموزشی در فوتبال ایران نرویم، قطعاً آینده را به راحتی از دست می‌دهیم و ناکامی در رده‌های مختلف سنی و تیم های پایه به یک عادت تکراری تبدیل خواهد شد.»

مهدی پاشازاده، مدافع پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

به دنبال نتیجه هستیم، نه ساختن فوتبال پایه

پریسا غفاری/ شکست سنگین تیم امید ایران مقابل کره شمالی بار دیگر ضعف‌های فوتبال پایه را نمایان کرد؛ نتیجه‌ای که نشان می‌دهد برای عبور از شرایط فعلی، باید نگاه جدی‌تری به تیم‌های پایه و نحوه مدیریت آنها داشت. مهدی پاشازاده، مدافع پیشین تیم ملی فوتبال کشورمان، در گفت‌وگو با «ایران» ریشه این ناکامی‌ها را در نبود برنامه‌ریزی و مدیریت منسجم می‌داند.

مهدی پاشازاده درباره شرایط تیم امید و حذف این تیم از چرخه بازی‌های آسیایی ناگویا می‌گوید: «تیم امید فرزند سرراهی فدراسیون فوتبال است و همیشه در بلاتکلیفی به سر می‌برد. به همین دلیل انتظار دیگری نمی‌توان از آن داشت. انتخاب‌های اشتباه، نبود برنامه‌ریزی صحیح، ثبت قرارداد چهار ساله با یک سرمربی، عدم هماهنگی با سازمان لیگ و نظارت بر آکادمی باشگاه‌ها، عواملی است که باعث شده فوتبال در رده‌های پایه هیچ‌وقت نتیجه دلخواه را نگیرد.»

او هرچند انتخاب حسین عبدی را بهترین گزینه برای هدایت این تیم می‌داند، اما معتقد است در انتخاب سرمربیان خارجی و ایرانی تیم‌های پایه، قاعده و فلسفه مشخصی وجود ندارد: «عبدی در رده نوجوانان و جوانان تجربه کار داشته است و به نظرم بهترین انتخاب بود، ولی با احترام به همه دوستان و مربیان ایرانی و خارجی که در رده‌های پایه انتخاب می‌شوند، هیچ فلسفه‌ای پشت انتخاب‌ها نبوده و همه چیز باری به هر جهت پیش رفته است. مثل همان دوره‌ای که سازمان تربیت بدنی در رأس ورزش کشور قرار داشت و برای باشگاه‌های پرسپولیس و استقلال، هر فردی را که در جایی سمت نداشت، به عنوان مدیر این دو باشگاه معرفی می‌کرد. در آن شرایط، هواداران این دو تیم نیز انتظار خاصی از مدیریت آنها نداشتند. در حال حاضر نیز تیم امید یک سر دارد و هزار سودا؛ مربی بازیکن می‌خواهد، باشگاه آن را نمی‌دهد و سازمان لیگ هم به تلافی، لیگ را تعطیل می‌کند. به هیچ شکلی در بخش مدیریتی و باشگاهی نتوانسته‌ایم در رده‌های پایه درست کار کنیم. آن وقت فقط به دنبال نتیجه هستیم!»

تیم فوتبال در بازی‌های آسیایی همواره هزینه‌بر بوده و در نهایت برای کمیته ملی المپیک و فدراسیون فوتبال نتیجه‌ای در بر نداشته است. بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال ایران درباره حمایت کمیته ملی المپیک از فوتبال و عدم اعزام تیم‌های بانوان به دلیل نداشتن شانس کسب مدال نیز می‌گوید: «طبق قانون، عدم حضور تیم فوتبال هر کشور در بازی‌ها، محرومیت دوره بعدی را به همراه دارد. بنابراین کمیته ملی المپیک وظیفه‌اش حکم می‌کند که تیم فوتبال اعزام شود. ضمن اینکه با وجود کسب مدال در رشته‌هایی چون کشتی، ووشو، تکواندو و... باز هم مدال فوتبال برای کمیته، وزارت و فدراسیون یک ویترین است و بازتاب تبلیغاتی زیادی برای آنها در بر دارد. فدراسیون هم فقط به دنبال این است که بگوید وظیفه‌ام را انجام دادم. بنابراین اعزام سایر تیم‌ها هیچ ربطی به فوتبال ندارد و به نظرم کمیته ملی المپیک باید با بودجه‌بندی مناسب، امکان شرکت سایر تیم‌ها را هم فراهم کند.»

مهدی پاشازاده باخت ۴ بر یک ایران مقابل کره شمالی را نیز یکی از نتایج عجیب دنیای فوتبال می‌داند و در این باره می‌گوید: «به نظرم این نتایج در دنیای فوتبال همیشه به نوعی رقم می‌خورد. مثل آلمان که ۷ گل به برزیل زد و بایرن مونیخ هم ۶ گل به بارسلونا زد. پس دنیای فوتبال نتایج عجیب زیادی به خود دیده است. به نظرم در این مسابقه هم شیرازه تیم با دریافت گل‌های اول و دوم از هم پاشید. به‌خصوص در این رده سنی، به دلیل نداشتن تجربه لازم و حاکم بودن فرهنگ غلط احساسی بودن بازیکنان، بعد حرفه‌ای فوتبال را رعایت نمی‌کنیم و در نهایت چنین نتیجه‌ای رقم می‌خورد.»

این کارشناس فوتبال کشورمان، با وجود تمام نکاتی که به آن اشاره می‌کند، معتقد است در فوتبال ایران اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد: «در فوتبال ایران هیچ گوش شنوایی وجود ندارد و همه خود را مدعی می‌دانند. اگر روزی هم اتفاقی بیفتد، فقط یک جرقه است. با این فرمان، در خشکسالی ورزش ایران باید منتظر بارش تگرگ، همانند نسل طلایی، باشیم تا بتوانیم مدال و جامی به دست آوریم.»

بهروز رهبری‌فر، مدافع پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

از شکست‌ها درس نگیریم، پیشرفت نمی‌کنیم

گروه ورزشی/ بهروز رهبری‌فر، مدافع پیشین تیم ملی فوتبال، در گفت‌وگو با «ایران» درباره تداوم ناکامی‌ها در تیم‌های پایه ایران می‌گوید: «شکست سنگین مقابل کره شمالی، بار دیگر ثابت کرد در فوتبال، نام بازیکن و قراردادهای میلیون دلاری هرگز نمی‌تواند ضامن موفقیت باشد.»

وی در ادامه توضیح می‌دهد: «وقتی در فوتبال کشورمان قوانینی حکمفرما شده است که در حق استعدادهای بی‌پول ایران ظلم می‌شود و آکادمی‌ها و مراکز استعدادیابی توجهی به فوتبالیست‌های مستعد محله‌های فقیرنشین که از یک استعداد ناب برخوردارند، ندارند، همین می‌شود که برابر کره شمالی به آماری می‌رسیم که یک بازیکن ایران به تنهایی به اندازه تمامی بازیکنان کره شمالی قرارداد بسته است.» وی در ادامه با اشاره به اینکه در خلق این ناکامی تمام ارکان فوتبال سهیم هستند، گفت: «مقصر همه این ناکامی‌ها فدراسیون نیست؛ باشگاه‌ها باید این بازیکنان را بسازند و در رده بزرگسالان به آنها میدان دهند تا در نهایت سرمربی تیم امید بتواند از آنها در اردوها استفاده کند؛ هرچند فدراسیون هم در بخش حمایت از سرمربیان پایه هیچ اقدام مؤثری انجام نداده است؛ قرارداد این مربیان را با سرمربی تیم ملی مقایسه کنید. باور کنید هیچ‌کس قبول نمی‌کند آنها حتی بتوانند در باشگاه بیشتر درآمد کسب کنند.»

مدافع پیشین پرسپولیس، پیروزی کره شمالی را حاصل ساختار فوتبال و کار خوب فنی سرمربی آن تیم می‌داند: «کمیته المپیک کره شمالی بعد از نتایج ضعیفی که طی چند دوره برای تیم ملی فوتبال این کشور رقم خورد، هفت سال فدراسیون فوتبال را تعطیل کرد و از زیربنا، تمامی مدیران و... را تغییر داد و به اینجا رسید که این تیم می‌آید و ایران را شکست می‌دهد؛ هرچند به نظرم سرمربی این تیم به‌خوبی تیم ملی را آنالیز کرده بود و از نقاط ضعف دروازه‌بان و مدافعان ایران باخبر بود. در نیمه اول نیز با دو تعویضی که انجام داد، شناخت کامل خود را از ایران نشان داد. امیدوارم این باخت‌ها فدراسیون را به این فکر فرو ببرد که نظارت دقیقی بر آکادمی‌ها داشته باشد و به باشگاه‌ها فشار بیاورد که باید تیم‌های پایه خوبی داشته باشند وگرنه دیگر امیدی به آینده نخواهیم داشت. بدون شک از شکست‌ها درس نگیریم، پیشرفت نمی‌کنیم.»